

بررسی سفر در سه‌گانه‌ی دوندی هزارتو نوشته‌ی جیمز دشنر

علی اکبر زمانی (نویسنده مسؤل)

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، پردیس کیش، ایران

فریده پورگیو

استاد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

مهسا هاشمی

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

چکیده

اسطوره‌ها از زمان‌های بسیار دور تا عصر شکوفایی تکنولوژی در قرن بیست و یکم حضور داشته‌اند و با رمان و فیلم و سریال مطرح شده‌اند. درون مایه‌ی آخرالزمان که در بازار نشر و کتاب اقبال گسترده‌ای پیدا کرده، و تحسین و توجه‌ی جهانی را معطوف خود ساخته است، در اکثر اینگونه داستان‌ها وجود دارد. این داستان‌ها به عنوان زیرمجموعه‌ای از داستان‌های تخیلی نوشته می‌شوند. ادبیات نوجوان بسیار تحت تأثیر این ژانر قرار گرفته است. سه‌گانه دوندی هزارتو نوشته‌ی جیمز دشنر (۲۰۰۹-۲۰۱۱) داستانی مشهور با مضمون پادآرمان‌شهر است که تقریباً تمام قهرمانان آن مذکر هستند. در پژوهش حاضر سفر در سه‌گانه‌ی دشنر مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر تحلیل ماجرا در سه‌گانه‌ی مذکور بر پایه‌ی نظریه‌ی سفر جوزف کمپل خواهد بود، که از ابتدای جلد یک تا انتهای جلد سه مراحل آن شامل می‌شود، تا بررسی شود که آیا در داستانی که در دنیای تخیلی آینده اتفاق می‌افتد ویژگی‌های اسطوره‌ای کهن‌الگوی سفر نیز وجود دارد. در این پژوهش بیان می‌شود که شخصیت‌های داستان در طی سفری از هزارتو به آزادی، با تحول و دگرگونی روبرو می‌شوند.

واژگان کلیدی: دیاسپورا؛ روان‌زخم حاصل از مهاجرت؛ توهم میان‌فرهنگی؛ سوپزکتیویته دیاسپوریک؛ سوزادگی.

خشونت فردی و خشونت عینی:

انقلاب به مثابه رهایی دیگری در نمایشنامه برده اثر لیروی جونز

سوسن رحیمی بقاء

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

لیلا برادران جمیلی (نویسنده مسؤول)

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

چکیده

مقاله‌ی حاضر در نظر دارد به بررسی مفاهیم خشونت فردی و خشونت عینی در پردازش ساختار دیگری انقلابی در نمایشنامه ایدئولوژیکی برده (۱۹۶۴) اثر لیروی جونز، امیری باراکا (۲۰۱۴-۱۹۳۴) بپردازد. سیاهپوست به منزله‌ی دیگری در سیطره‌ی جامعه سفیدپوست قرار می‌گیرد و آسیب‌های حاصل از این زندگی در شرایط عدم حضور قوانین مدنی برابر با نابودی اهداف مشروع و به حق سیاهپوستان است. آن‌ها خود را دور از اصالت و ریشه‌ی خود می‌بینند و مشکلات فراوانی را در دنیای امپریالیستی تجربه می‌نمایند. برده، اثر جونز، حکایت مرد سیاهپوستی است که بر علیه خشونت فردی و خشونت عینی سفیدپوستان انقلاب می‌کند و به مقابله برمی‌خیزد. این مقاله، بر روی موضوعات هنر سیاهپوستان و هویت ایشان که منتج شده از قیام‌های اجتماعی آمریکا است معطوف گردیده است. برای نیل به این منظور، از رویکرد ژنژیک و تحلیل ایدئولوژیک-روانشناختی خشونت که بر پایه‌ی نظرات لکان بنا گشته، استفاده شده است. نمایشنامه‌ی برده، ابزاری در راستای ترویج تحرکات انقلابی کلان در میان سیاهپوستان به جهت افزایش اعتماد به نفس، دلگرمی، و خودآگاهی نژادی شده است. لیروی جونز، بعنوان راهبر «تحرکات هنری سیاهپوستان» و مؤسس گروه «اقتدار سیاهپوستان» در دهه‌ی ۱۹۶۰ تلاش‌های مؤثری در زمینه بازیافت فرهنگ و هنر و ادبیات سیاهپوستان به مثابه ماموریت‌های انقلابی خویش نموده است.

واژگان کلیدی: خشونت فردی؛ خشونت عینی؛ دیگری؛ دیگری انقلابی؛ ایدئولوژیک-روانشناختی.

نوشداروی نئولبرال: تعبیه فضایی در رمان خورشیدی اثر ایان مکیون

سید محمد مرندی (نویسنده مسؤل)

استاد ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

زهره رامین

استادیار ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمدباقر شعبان پور

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

رمان خورشیدی، نوشته ایان مکیون، به دلیل بازنمایی مناقشه‌برانگیز علل تغییرات اقلیمی و راه‌حل پیشنهادی‌اش برای این فاجعه جهانی، زمینه‌ساز بحث‌های بسیاری شده است. این مقاله نگرش رمان را درباره منشأ تغییرات اقلیمی مورد خوانش قرار می‌دهد و به ارزیابی پروژه بی‌سرانجام شخصیت محوری داستان برای نجات زمین می‌پردازد. دامنه مطالعاتی این نوشتار به توصیفات راوی درباره شخصیت‌ها و رویدادهای داستان محدود می‌شود. مقاله، با کمک ایده «تعبیه فضایی» دیوید هاروی، با خوانش موشکافانه رمان، بر بافتاری که داستان در بستر آن روایت می‌شود تمرکز می‌کند. این تمرکز با این هدف صورت می‌گیرد تا دگردیسی زمین به محیطی مصنوع را به نام سیاره توضیح و نشان دهد که این دگردیسی به‌منظور دستیابی به ضریب ارتفاع بالاتر و جریان آزاد سرمایه و کالاها انجام شده است. مقاله استدلال می‌کند که پروژه تولید انرژی خورشیدی از سوی شخصیت اصلی داستان ابتکاری نئولبرالیستی است برای جایگزینی شیوه تولید کم سود با شیوه تولید پرسودتر در نظام سرمایه‌داری و همچنین در جهت مدیریت و مواجهه با دوره بحرانی انباشت مازاد سرمایه و نه مصیبت گرمایش زمین.

واژگان کلیدی: تعبیه فضایی؛ تغییرات اقلیمی؛ سرمایه‌داری؛ محیط مصنوع؛ نئولبرالیسم.

شور-شدن و بدن بدون عضو: تحلیل رمان ناپید/ اثر پل آستر از منظر ریزوآنالیز دلوز-گاتاری

معین مرادی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

ناصر ملکی (نویسنده مسؤل)

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده

مقاله حاضر با توجه به نظریه ریزوم از منظر متفکرین فرانسوی ژیل دلوز و فلیکس گاتاری استدلال می‌کند که نقش‌های متضادی که پل آستر برای شخصیت‌های اصلی خود در رمان ناپید/ (۲۰۱۰) در نظر گرفته است براساس دگرگونی در رفتارهای آن‌ها در حال تکامل هستند. در حالی که قهرمان داستان در فرآیند «شدن» دلوزی قرار می‌گیرد و رفته رفته به یک شور تبدیل می‌شود، ضدقهرمان داستان به هیبتی رادیکال از یک بدن بدون عضو در می‌آید. از این رو این مطالعه بر آن است تا سرنخ‌هایی همانند مفهوم بدن بدون عضو از دلوز-گاتاری در رمان بیابد. دلوز و گاتاری، مفاهیم شدن و بدن بدون عضو را در ذیل نظریه ریزوم مطرح می‌کنند. به همین سبب، برای پیاده‌سازی نقد دلوزی، شش اصل ریزوماتیک شامل ارتباط، ناهمگنی، کثرت، انقطاع غیردلالتی، نقشه‌پردازی و ردیابی در رمان ناپیدا مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بدین ترتیب، شخصیت‌های اصلی داستان، گرایشات ریزوماتیکی و کوچ‌گرایانه خود را به نمایش می‌گذارند، ضمن آن که خط روایی داستان چندگانه می‌شود. در نهایت، این مقاله از طریق اجرای نقد ریزوماتیک، قلمروشکنی‌های رادیکال را - که همانا رهایی از هنجارهای اجتماعی هستند - به مثابه شگرد اصلی پل آستر برای بازنمایی معضلات زندگی معاصر آمریکایی معرفی می‌نماید.

واژگان کلیدی: دلوز؛ گاتاری؛ نقد ریزوماتیک؛ قلمروزدایی؛ پل آستر؛ رمان ناپید/.

بررسی کارکرد عناصر متاتئاتر در نمایشنامه ستوران اثر پیتر شفر

علیرضا فرح‌بخش (نویسنده مسؤل)

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

آمنه ابراهیم‌پور

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

چکیده

این مقاله بر آن است تا به منظور نمایان ساختن کارکرد عناصر متاتئاتر در ساختار کلی و درون‌مایه نمایشنامه ستوران اثر پیتر شفر این نمایشنامه را بررسی نماید. از این روی سوالات اصلی در این بررسی عبارت‌اند از: شگردهای متاتئاتری برگرفته‌شده در این اثر کدامند؟ کارکردهای ساختاری و تماتیک این عناصر چه هستند؟ برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها، مقاله حاضر ابتدا نگاهی خواهد داشت به مفاهیم اساسی مرتبط با مفهوم متاتئاتر و سپس این مفاهیم را در ساختار نمایشنامه بررسی می‌نماید. تمرکز اصلی این جستار بر «نمایشنامه در نمایشنامه» و «حذف دیوار چهارم» است، که دو نمونه از مهم‌ترین عناصر متاتئاتر در نظر گرفته می‌شوند. این پژوهش نشان می‌دهد که نمایشنامه‌هایی در درون ساختار روایی ستوران گنجانده شده‌اند، که هم‌تراز با ویژگی‌های متاتئاتری‌ای هستند که از سوی ریچارد هرنبی برشمرده شده‌اند. این «نمایشنامه در نمایشنامه‌ها» باعث شکل‌گیری دو لایه ساختاری کاملاً مجزا می‌شوند و به عنوان نمایشنامه در نمایشنامه‌های متاتئاتری بر تخیلی بودن روایت به نمایش درآمده و همچنین تنوع پی‌رنگ اشاره می‌کنند. ستوران همچنین زمانی که شخصیت اصلی نمایشنامه تماشاچیان را به‌طور مسقیم مورد خطاب قرار می‌دهد و آن‌ها را به‌طور فیزیکی و ذهنی درگیر نمایشنامه می‌کند، دیوار چهارم را که از ویژگی‌های نمایشنامه‌های رئالیست است حذف می‌نماید. بدین ترتیب زمانی که هم تماشاچیان و هم بازیگران در فرایند به نمایش درآوردن روایت و تولید معنا شرکت می‌جویند، قضاوت و تفسیر کل نمایشنامه تبدیل به امری دو سویه می‌شود.

واژگان کلیدی: متاتئاتر؛ نمایشنامه در نمایشنامه؛ حذف دیوار چهارم؛ خطاب به تماشاچی؛ پیتر شفر.

تصاویر مسیحی در فیلم مک‌بث (۲۰۱۵) به کارگردانی جاستین کرزل

یاسمن یاسی پور طهرانی (نویسنده مسؤول)

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

علی‌رضا انوشیروانی

استاد ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

لاله آتشی

استادیار ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

فیلم مک‌بث (۲۰۱۵) به کارگردانی جاستین کرزل نمادها و تصاویر مسیحی بسیاری را به نمایش می‌گذارد. در این مطالعه ادبیات تطبیقی، به بررسی ارتباط بین گفتمان مسیحیت پروتستان متعلق به دوره الیزابت، با تصاویر به‌کاررفته در فیلم کرزل، مانند صلیب، نقاشی‌ها، طراحی لباس و طراحی صحنه می‌پردازیم. با توجه به نظریه اقتباس لیندا هاتچن، مفهوم این تصاویر از طریق بررسی بافت اجتماعی-فرهنگی به‌دست می‌آید. نوآوری کرزل در تصویرسازی تفکر اجتماعی-فرهنگی متعلق به نمایش‌نامه شکسپیر بررسی می‌شود. مدل دیالوگ بینامتنی استم، درک و فهم ارتباط بین این تصاویر و متن اصلی را میسر می‌سازد. وفاداری کرزل نسبت به زمان و مکان متن اصلی، با نوآوری در تصویرسازی بافت اجتماعی-فرهنگی متن شکسپیر میسر شده است. با توجه به فیلم مک‌بث (۲۰۱۵)، نتیجه می‌گیریم که در عصر معاصر موارد مشابهی از توجیه مذهبی خشونت و جنگ وجود دارد. رسا بودن صدای خاموش شخصیت داستانی مک‌بث در فیلم کرزل، اشاره به شرایط ناعادلانه مشابه در زمان و مکان معاصر دارد.

واژگان کلیدی: بافت اجتماعی-فرهنگی؛ مسیحیت پروتستان؛ گفتمان غالب؛ واژگون‌سازی، دیالوگ بینامتنی.

فمینیسم آفریقایی در بافت نیجریه: مجلسی از تأییدها و انکارها

عیسی اوموتشو

مدرس گروه زبان‌شناسی و زبان‌های آفریقایی و اروپایی، دانشگاه ایالتی کوارا، مالت، نیجریه
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ایلورین، ایلورین، نیجریه

چکیده

شماری از زنان نویسنده برجسته آفریقایی درصد نظریه‌پردازی در رابطه با ریشه‌های فمینیسم در رابطه با تجربه خاص آفریقایی آن بر آمده‌اند. آن‌ها در نوشته‌های خلاق و انتقادی خود مشتاقانه به این مسأله پرداخته‌اند. تفاوت‌های ذاتی ایدئولوژیک این نویسندگان در تلاش برای یافتن گونه‌ای از فمینیسم آفریقایی به دلیل موقعیت اجتماعی-فرهنگی خاص آن‌ها، منجر به آنچه شده است که منتقدان همواره از آن به عنوان «صداها» فمینیسم آفریقایی یاد می‌کنند. در چنین شرایطی، از یک سو، چارلز نولیم (۱۹۹۴) بر این باور است که فمینیسم در ادبیات آفریقا «مجلسی تقسیم‌شده» است و از سوی دیگر، چیوما اوپرا (۲۰۱۳) در مقابل آن را «مجلسی یکپارچه» می‌داند. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی این دو قطب انتقادی می‌پردازد که تمامی اختلاف نظرهای انتقادی و نظری فمینیسم آفریقایی را تا حد زیادی در بر گرفته‌اند. با توجه به محتوای غنی انتقادی این دو پارادایم، هیچ یک از آن‌ها به نفع یا در دفاع از دیگری رد نمی‌شود. در عوض، این مقاله در تلاش است که تعادلی میان دو دیدگاه ایجاد کند و در نهایت به معرفی دیدگاه انتقادی خود بپردازد. این پژوهش با ذکر نمونه‌هایی از نوشته‌های سه زن نویسنده برجسته نیجریه‌ای، از الگوهای انتقادی ذکر شده به پارادایم جدیدی می‌رسد که فمینیسم را در ادبیات آفریقا، به ویژه در بافت نیجریه در نظر می‌گیرد و آن را «مجلسی از تأییدها و انکارها» می‌نامد.

واژگان کلیدی: فمینیسم آفریقایی؛ زنان نویسنده نیجریه‌ای؛ مجلسی تقسیم‌شده؛ مجلسی یکپارچه؛ مجلسی از تأییدها و انکارها.

زن فرودست سخنگو و عاملیت اخلاقی در شکسپیر و قرآن

فهیمة خلیلی تیلمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

جلال سخنگو (نویسنده مسؤل)

استاد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

ویلیام شکسپیر، شاعرانگلیسی، در نمایشنامه تلاش بیهوده عشق گفتمانی را در خصوص زنان فرودست ارائه می‌کند که قابل مقایسه با آموزه‌های کلام قرآن است. او تداعی مسلمانان را با کلمات کاملاً جا افتاده‌ی دوران الیزابت از قبیل اتیوپی‌ها، سیاه‌پوستان، مورها، آفریقایی‌ها و غیره یادآوری می‌کند تا در اثر خود دغدغه و مضامین نسبت داده شده به مسلمانان را از لحاظ احترام، عشق، و احیای حقوق نشان دهد. مفاهیم قتل ناموسی و اسلام مترقی از منظر ریفات حسن از دیدگاه مفهومی دارای شباهت با مسؤلیت اخلاقی عامل و فرودست از منظر گایاتری اسپیواک هستند. محور بحث در نمایشنامه‌ی شکسپیر، پرهیز مردان از زنان، مردان روشن‌فکر در برابر زنان سیاه‌پوست، برده و فرومایه، عشق، و شیفتگی مردان نسبت به زنان را دربرمی‌گیرد. این رویکرد با سبک زندگی مسلمانان فقیر در برابر هژمونی بت‌پرستان مطابقت دارد و شامل ایمان و مهاجرت آن‌ها است. هدف اصلی پژوهش حاضر خوانش اثر نمایشی شکسپیر از منظر رویکرد ریفات حسن است که برخی آن را فمینیسم اسلامی می‌نامند.

واژگان کلیدی: فمینیسم اسلامی؛ مسؤلیت اخلاقی؛ عاملیت؛ مسلمانان؛ فرودست

سخنگو؛ دسترسی محدود.

جهانی‌شدن زندگی‌های محلی: اعمال اصالت نفس به عنوان فرایند شخصی، محلی و اجتماعی در رمان *این‌د/بلیو* اثر زیدی اسمیت

فرناز اسمخانی یووالاری

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهمن زرین جویی (نویسنده مسؤول)

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

استادیار مدعو زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فرید پروانه

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

جهانی‌شدن و تشدید بی‌سابقه‌ی پیوند اجتماعی نشان می‌دهد که دیگر هیچ هویت واحدی با ساختار و پیوستگی سازمان یافته وجود ندارد. هویت از ماهیتی مرکب برخوردار است که دارای عضویت فردی در جوامع، فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و ساختارهای اجتماعی مختلف است. تحقیق حاضر با هدف بررسی ارتباط اجتماعی و محلی فرایند اصالت خود در رمان *این‌د/بلیو* اثر زیدی اسمیت انجام شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که به چه شیوه‌ای اصالت نفس می‌تواند فرایندی اجتماعی باشد که با تأیید از سوی دیگری و همچنین تجربه خود شخص به عنوان وسیله و نتایج تعاملات اجتماعی تعیین شود و در عین حال به عنوان فرایندی محلی عمل کند. رمان *این‌د/بلیو* شبکه‌ای پیچیده از روابط را شامل می‌شود، از ارتباط فردی با شغل گرفته تا دوستی و خانواده، و تا مشارکت در تعاملات محلی و عمومی، که به روش‌هایی پیچیده‌تر مناسباتی مشترک را میان هر فرد با دیگران ایجاد می‌کند. با توجه به تراکم و پیچیدگی روابط اجتماعی در شرایط فعلی افزایش پویایی جهانی‌شدن، مقاله حاضر از مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه در تأکید بر روابط متقابل نیروی جهانی و محلی پیروی می‌کند. این پژوهش از طریق واکاوی تعامل فرد با تنوع اجتماعی، به وسیله‌ی جلب توجه به عوامل مختلف از قبیل ساختارهای تفکیک اجتماعی و جهانی‌شدن که محدود به همگن‌سازی، چشم‌انداز جهانی و فراگیر است فصل مشترک نژاد، طبقه، جریان‌های جهانی و محلی را در جغرافیای محدود رمان بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: جهان‌وطنی نقدگرایانه؛ اجتماع؛ جهانی‌شدن؛ محله‌ای؛ تفکیک اجتماعی؛ اصالت نفس؛ زیدی اسمیت.

بررسی انتقادی رویکرد سنتی به مکاتب و جنبش‌های ادبی در ادبیات کردی

محسن احمد عمر

استادیار ادبیات کردی، دانشگاه صلاح‌الدین، اربیل، کردستان عراق

چکیده

مقاله حاضر در پی آن است به بررسی جنبش‌های ادبی، گرایش‌ها و مکاتب ادبیات کردی بپردازد و در این راستا بازنمایی واقعی آنان را در آثار ادبی کردی مورد بررسی قرار می‌دهد. مورخان ادبی معاصر کرد، ادبیات کردی پیش از عصر تجدد را ادبیات کلاسیک می‌نامند؛ از نظر آنان رمانتیسیسم همزمان با تجدد پدیدار گشته و واقع‌گرایی پس از آن ظهور یافته است. حال پرسش این است که آیا در بافت ادبیات کردی می‌توان با اصطلاحاتی نظیر کلاسیسیسم، رمانتیسیسم و رئالیسم به این گرایش‌ها و دوره‌ها اشاره کرد؟ پژوهش حاضر بر این باور است که کاربرد این اصطلاحات در رابطه با ادبیات کردی در نتیجه تأثیر ادبیات و گرایش‌های اروپایی بر فرهنگ و ادبیات کردی روی داده است. استدلال اصلی پژوهش این است که جنبش‌های ادبی کردی و دوره‌های تاریخی که پژوهشگران به آنان نسبت داده‌اند با آنچه که در تاریخ ادبیات فرانسه و انگلیس مشاهده می‌شود، یکسان نیست. در این مطالعه، کل متون نوشته شده در ادبیات کردی به سه دوره مجزا تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ادبیات کهن که «ادبیات دیوان» نیز نامیده می‌شود و از آغاز تا اوایل قرن بیستم را در بر می‌گیرد؛ «ادبیات عصر تجدد» که از دهه نخست ۱۹۰۰ تا اواسط قرن بیستم ادامه یافته است؛ و «ادبیات مدرن و معاصر» که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده و تا کنون ادامه دارد.

واژگان کلیدی: مکاتب ادبی؛ جنبش‌های ادبی؛ کلاسیسیسم؛ رمانتیسیسم؛ نوگرایی؛ تجدد.

دیدگاه‌های زبان آموزان ایرانی و موفقیت در خواندن داستان‌های کوتاه به‌عنوان راهی برای تلفیق ادبیات در روند یادگیری: نظریه‌ی ناحیه‌ی مجاور رشد و استراتژی حمایتی داربست

ندا فاتحی راد (نویسنده مسؤل)

استادیار آموزش زبان انگلیسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

واله جلالی

استادیار آموزش زبان انگلیسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران

چکیده

مطالعه‌ی حاضر با مد نظر قراردادن نظریه‌ی منطقه‌ی مجاور رشد و استراتژی داربست، استفاده از استراتژی داربست را در یک مؤسسه‌ی زبان بررسی کرده و سودمندی این روش را بر موفقیت در خواندن داستان کوتاه در زبان‌آموزان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی مورد بررسی قرار می‌دهد. برای دستیابی به اهداف مطالعه، یک طرح تحقیقاتی آزمایشی به‌کار گرفته و نمونه‌ی مطالعه از ۶۰ زبان‌آموز یک مؤسسه‌ی زبان تشکیل شده است. گروه آزمایشی ۳۰ دانش‌آموز را شامل می‌شد که استراتژی داربست در آن اجرا شد و آنها از روش‌های داربستی استفاده کردند. گروه شاهد شامل ۳۰ دانش‌آموز بود که بدون روش‌های داربستی آموزش دیدند. همچنین، برای گروه شاهد روش آموزش زبان تعاملی-ارتباطی به‌کار رفت. به‌علاوه، از یک پرسشنامه‌ی مرتبط برای بررسی نگرش زبان‌آموزان در گروه آزمایشی در رابطه با استراتژی ذکرشده استفاده شد. موفقیت در خواندن با استفاده از یک پیش‌آزمون و یک پس‌آزمون برای هر دو گروه آزمایشی و کنترل اندازه‌گیری شد. نتایج به‌دست‌آمده به‌صورت توصیفی تحلیل و مشخصات آماری آن در شکل‌ها ارائه شده است. داده‌ها با استفاده از آزمون t ، مربع اتا Eta، و تحلیل یک‌سویه‌ی واریانس (ANOVA) موردتجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتیجه نشان می‌دهد استفاده از استراتژی تدریس داربست اثر معنی‌داری بر بهبود موفقیت در خواندن داستان کوتاه در زبان‌آموزان ایرانی دارد و نگرش دانش‌آموزان به استراتژی مذکور کاملاً مثبت بود. همچنین، یافته‌ها آشکار کردند که تفاوت قابل‌مشاهده‌ای بین عملکرد دانش‌آموزان دختر و پسر وجود نداشت.

واژگان کلیدی: نظریه‌ی ZDP؛ استراتژی داربست؛ زبان‌آموزان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی؛ موفقیت در خواندن؛ داستان کوتاه.

خودسنجی و همسال سنجی در یادگیری زبان خارجی: بررسی عملکرد مهارت نوشتاری و خود کارآمدی نوشتاری

جلیل فتحی (نویسنده مسؤول)

استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

مریم افضلی

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

کتابیون پارسا

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

اهمیت سنجش و ارزیابی در زبان دوم به طور گسترده در پیشینه آموزش زبان خارجی مورد بحث قرار گرفته شده است. با این وجود اجرای انواع مختلف سنجش در یادگیری زبان دوم به طور عملی مورد توجه کافی مدرسان و پژوهشگران این حوزه نبوده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی دو روش خودسنجی و همسال سنجی بر دوره عملکرد مهارت نوشتاری و خود کارآمدی نوشتاری است. بدین منظور، سی و شش زبان آموز با مهارت زبانی متوسط در قالب دو کلاس به عنوان شرکت کننده انتخاب شدند. یکی از کلاس ها به طور تصادفی به عنوان گروه خودسنجی و کلاس دیگر به عنوان گروه همسال سنجی در نظر گرفته شد. پس از انجام دوره آموزش مربوط به هر گروه و با توجه به نمره های پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه در آزمون مهارت نوشتاری و پرسشنامه خودکارآمدی نوشتاری، نتایج تحلیل کوواریانس و آزمون تی وابسته نشان داد که هم خودسنجی و همسال سنجی هر دو تاثیر مثبتی بر افزایش میزان عملکرد مهارت نوشتاری و خود کارآمدی نوشتاری زبان آموزان داشتند. با این وجود، بررسی های بیشتر بیانگر این بود که همسال سنجی تاثیر مثبت بیشتری بر افزایش میزان عملکرد مهارت نوشتاری و خودکارآمدی نوشتاری زبان آموزان داشت.

واژگان کلیدی: یادگیری زبان خارجی؛ خودسنجی؛ همسال سنجی؛ عملکرد مهارت نوشتاری؛ خودکارآمدی نوشتاری.

خشونت نمادین: گفت و شنودهایی با بورديو مایکل بوراووی (۲۰۱۹)، انتشارات دانشگاه دوک

آزاده حیدری (نویسنده مسؤول)

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی ارشاد دماوند، تهران، ایران
فرزانه دوستی

دکترای زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

کتاب تازه نشریافته *خشونت نمادین: گفت و شنودهایی با بورديو* (۲۰۱۹) مفهوم «خشونت نمادین» را از منظر بورديو، جامعه‌شناس فقید، در نشست انتقادی با پیشینیان خود قرار می‌دهد تا درباره معانی چند جانبه، محدودیت‌ها و تکامل زمانی این مفهوم بحث کند. کتاب در نه فصل اصلی و ۲۴۰ صفحه نگاشته شده است و اینگونه آغاز می‌شود که مایکل بوراووی، نویسنده نومارکسیست، تضاد دیرینه خود را با پیر بورديو، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی شرح می‌دهد، موضوعی که او در دهه‌های گذشته در کنفرانس‌های مختلف مطرح کرده است. جلد حاضر حاوی پنج‌گانه‌ی نقد قبلی وی است که اکنون برای خوانندگان انگلیسی زبان بازنویسی شده است. بوراووی سال‌ها همواره نسبت به مفاهیم بورديویی به دیده‌ی تردید می‌نگریست. او در آغاز بر این باور بود بورديو بیشتر ایده‌های منتقدان و جامعه‌شناسانی نظیر فانون، گرامشی، فریر و دوبوار را به سرقت برده است تا اینکه مشارکتی واقعی در بسط و توسعه آنها داشته باشد. سپس، در دوره‌ی «بوت کمپ» در خصوص اندیشه‌ی بورديو به سرپرستی لوئیک وکان در بهار ۲۰۰۵ شرکت می‌کند و افق دید او نسبت به چشم‌انداز در حال گسترش آثار بورديو وسعت پیدا می‌کند. وی طرحی کامل و جامع از آثار مهم بورديو را ارائه داده و عملکرد اصلی اصطلاح «خشونت نمادین» را در شکل‌گیری هر یک از این آثار بیان می‌کند - اصطلاحی که بورديو از دهه ۱۹۷۰ در آثار خود معرفی کرده (۱۹۷۷، ۱۹۹۲، ۲۰۰۱) و از آن به عنوان *خشونت* ملازم یاد می‌کند که «حتی برای قربانیانش غیرقابل مشاهده و نامرئی است، و بیشتر اوقات از طریق کانال‌های صرفاً نمادین ارتباطات و ادراک، شناخت، یا حتی احساسات اعمال می‌شود» (سلطه مرد/نه بورديو ۱-۲).

واژگان کلیدی: فلسفه؛ مارکسیسم؛ جامعه‌شناسی؛ نظریه سیاسی؛ نظریه اجتماعی.